

# صدسال قانون مطبوعات از قاجار تا پهلوی

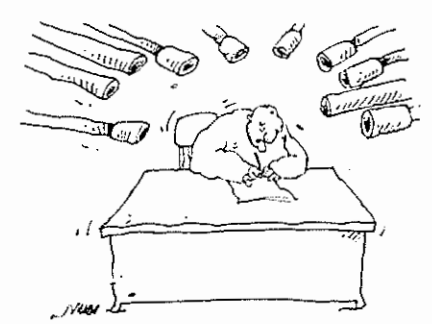
علی اکبر قاضی زاده

نخستین مقررات و محدودیتها در مورد مطبوعات، در زمان ناصرالدین شاه و برای نظارت بر ورود و استفاده از مطبوعات خارجی وضع شد. محمدحسن خان صنّیع الدوله (اعتمادالسلطنه) که در واقع ارشدترین مقام اجرایی فرهنگی در دوره ناصری است می نویسد: «چون بعضی از مطبوعات بعضی از ممالک که مشتمل بر طعن طریقی و یا قدح فریقی یا هجای شخصی و یا هزل فاحشی بود به لحاظ ... این پادشاه ... می رسید، از انتشار آنها همواره آثار کراهت بر جبین همایون هویدا بود». وی سپس به ذکر نمونه ای از تغییر شاه، نسبت به دیدن رساله ای چاپ بمبئی هند که در آن به خاندان و فرزندان شیخ حاشم شیرازی توهین شده بود می پردازد و می نویسد: «... در وقت به تحجیر و اعدام تمام آن نسخ فرمان رفت».

محمدحسن خان توضیح می دهد که ایجاد "اداره سانسور" را وی به شاه پیشنهاد کرده بود چون: «در دولتهای اروپیه سد راه این عیب را از ممالک خویش، دایره تفتیش ایجاد کرده اند و اسم آن "سانسور" است». ظاهراً این واقعه باید مربوط به سال ۱۲۸۷ هـ. ق. باشد که در پی آن فرمان ناصرالدین شاه در مورد نظارت و سانسور بر مطبوعات، در آن سال صادر شد. در این فرمان، عصبانیت و کدورت ناصرالدین شاه از مطبوعات داخلی (چهار روزنامه تشریفاتی) با وجود سرپرستی محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (صنّیع الدوله) بر آنها، که اجازه ورود کمترین حرف و سخن مشکل آفرین در آنها را نمی داد و معدودی نشریات چاپ خارج که به شدت راه ورود آنها کنترل می شد، به خوبی آشکار است. می نویسد: «روزنامهجات دولت علیه که در دارالخلافه به طبع می رسد، مغایر سلیقه ما و خالی از نتایج و فوایدی بود که در هر مملکت از روزنامه حاصل است. محمدحسن خان پیشخدمت و مترجم مخصوص را که از وضع روزنامهجات خارجه ... اطلاع کامل داشت به



پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



ماده چهاردهم. مواد ۹ و ۱۰ قانون محاکمه وزرا و هیأت منصفه مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۰۷ و تبصره های آن دو ماه فسخ و این قانون از دهم خردادماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می شود.<sup>۱۵</sup>

حاشیه:

۱. تاریخ سانسور در مطبوعات ایران. گوئل کهن، تهران: آگاه، ۱۳۶۳، ج ۱: ص ۲۳.
۲. همان، ص ۲۵۱.
۳. مطبوعات ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶. حسین ابوترابیان، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۶، ص ۳۷.
۴. همان، ص ۷۸.
۵. روزنامه وقایع عدلیه و روزنامه نظامی.
۶. مطبوعات ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶. ص ۹۸-۱۰۰.
۷. تاریخ جرایم و مجلات ایران. محمد صدرهاشمی، اصفهان: کمال، ۱۳۶۳، ج ۱: ص ۱۶.
۸. تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. محمد محیط طباطبایی، تهران: بعثت، ۱۳۶۶.
۹. تاریخ سانسور در مطبوعات ایران. ج ۲: ص ۳۴۹.
۱۰. کیهان، ش ۱۴۸۵۸ (۱۶ شهریور ۱۳۷۲): ۶.
۱۱. هیأت منصفه و دادرسی مطبوعاتی در قوانین ایران، حمید مقدم فر، رسانه، س ۳، ۲ (پاییز ۱۳۷۰): ۳۵-۳۲.
۱۲. نظرخواهی درباره قانون مطبوعات، سیدمحمد اصفری، اطلاعات، ش ۲۰۰۴۲ (۵ آبان ۱۳۷۲): ۲.
۱۳. همان.
۱۴. متن این قانون عیناً نقل شده است. در آن اغلاط انشایی و املائی به چشم می خورد. علامت گذاریها هم رعایت نشده اند.
۱۵. برای نگارش این مقاله از مآخذ زیر استفاده شده است:

- مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶. حسین ابوترابیان، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۶.
- تاریخ سانسور در مطبوعات ایران. گوئل کهن، تهران: آگاه، ۱۳۶۳.
- راهنمای مطبوعات ایران، عصر قاجار، سیدفرید قاسمی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۲.
- تاریخ جرایم و مجلات ایران. محمد صدرهاشمی، اصفهان: کمال، ۱۳۶۳.
- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. حسین محبی اردکانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- مجموعه قوانین و مقررات مطبوعاتی. حمید مقدم فر، مراغه: اوحدی، ۱۳۶۹.
- سیر ارتباطات اجتماعی در ایران. حمید مولانا، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۸.
- تفریبات درس «سیاستگذاریهای ارتباطی»، دکتر کاظم محمدزاد. □

■ از مهمترین حوادث سالهای پایانی پادشاهی ناصرالدین شاه، بسیج همه نیروهای دولتی برای جلوگیری از ورود و مطالعه نشریه قانون و تأسیس وزارت انطباعات بود.  
 ■ فردای انتشار نخستین شماره صور اسرافیل، مدیر آن طی نامه‌ای رسمی احضار شد.

این خدمت مأمور فرمودیم تا مطابق تعهدات خود... شروع به انتظام عمل دارالطباعة کرده به قسمی که مقصود خاطرمانست، در ترتیب و تنظیم روزنامه‌جات اهتمامات حسنه، مرعی دارد»<sup>۲</sup>.

شاید این از شوخیهای تاریخ مطبوعات باشد که نخستین قانون ناظر بر مطبوعات در ایران را یک نظامی ایتالیایی به نام: کنت دومونت فرت، نوشته است.<sup>۳</sup>

پیش از این تاریخ، دستور شاه، سلیقه صنایع الدوله (بعدها اعتمادالسلطنه) و نوع پیشامدی که روی می‌داد، سرنوشت مجرم مطبوعاتی را مشخص می‌کرد. اینک، به سبک کشورهای مرفقی و به دور از مشورت مجلس یا حتی هیأت وزیران، رئیس پلیس تهران، آیین‌نامه یا نظام‌نامه‌ای را به شاه پیشنهاد کرد که فوراً مورد تأیید قرار گرفت. این آیین‌نامه که به «کتابچه قانونی کنت»<sup>۴</sup> معروف شد انواع جرمها و مجازاتهای مربوط به آنها را پیش‌بینی کرده است از جمله:

– کسی که کتابی انتشار دهد که برضد مذهب یا دولت و ملت بوده باشد، از پنج‌ماه الی پنج‌سال حبس خواهد شد.

– کسی که جسارت نموده و درضد پادشاه اعلانات و نوشته‌جات در کوچه‌ها بچسباند، هرکس بوده باشد و همچنین کسی که مخالف مردم، حرکتی کرده و اذیت برساند. برحسب تقصیر او، از یک‌ماه الی پنج‌سال حبس خواهد شد.

– کسی که برخلاف پادشاه یا خانواده سلطنت حرف بزند یا تحریک بد در نظر داشته باشد، بعد از تحقیق و ثبوت از یک سال الی پنج‌سال به درجه تقصیرات با زنجیر محبوس خواهد شد.

– کسی که کنکاش و خیالات تحریک بد در حق دولت بکند و یا افترا و تهمت، تحریراً و تقریراً به دولت بزند، بعد از ثبوت تقصیر او، برحسب حدود تقصیرات، از یک سال الی پانزده‌سال محبوس خواهد شد.

این قانون در سال ۱۲۹۶ ه. ق. به تصویب رسید و پیداست که ناصرالدین‌شاه از انشای آن بسیار راضی و خوشنود شد. او در فرمانی خطاب به کامران‌میرزا نایب‌السلطنه، که بخش مهمی از امور نظامی و انتظامی کشور را برعهده داشت، نوشت: «این کتابچه قانونی کنت را خواندم. تماماً بسیار بقاعده و درست است. یک دو فقره را ماکم و زیاد کردیم. ملاحظه کنید.

.... وزرا هم این کتابچه را امضا کرده بدهند به کنت. او هم بدهد چاپ کرده، منتشر نمایند و از تاریخ امضاء وزرا مشغول اجرای این قوانین بوده ذره‌ای تخلف نشود. همه این قوانین صحیح [است] و محل هیچ ایراد نیست و لزوماً انشاءالله باید مجری شود. همین دستخط را بده کنت ملاحظه نماید. ما قواعد را پسندیده‌ایم. سنه ۱۲۹۸ ه. ق.<sup>۵</sup>

مهم‌ترین جرایم مورد بحث در «کتابچه قانونی کنت»، موارد زیر بودند:

۱. انتشار موضوعی برضد مذهب؛
۲. انتشار موضوعی برضد دولت؛
۳. انتشار موضوعی برضد ملت؛
۴. انتشار موضوعی برضد شاه؛
۵. تحریک علیه دولت؛
۶. افترا به دولت (و تهمت).

موضوع جالب این است که این جرایم چنان غیر محدود و گسترده بود که تقریباً می‌توانست شامل هنرنوشته و اقدامی باشد. دیگر آنکه در تمام قانونهای مطبوعات بعد این جرایم محور و اصل قرار گرفتند.

با این همه، موردی که برپایه «کتابچه قانون کنت»، نشریه یا شخصی مجازات شده باشد دیده نشده است. نه آن که کسی تعقیب و مجازات نشده باشد. بلکه این مجازاتها را همچون پیش، به‌نظر و حکم حاکمان وقت و بدون توجه به قانون به اجرا در می‌آوردند. ضمن آن که اصولاً انتشار مطبوعات در آن دوران در انحصار دولت بود.

از مهمترین حوادث سالهای پایانی

پادشاهی ناصرالدین‌شاه، بسیج همه نیروهای دولتی برای جلوگیری از ورود و مطالعه نشریه قانون<sup>۷</sup>، و تأسیس وزارت انطباعات در سال ۱۳۰۰ ه. ق. بود. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار نوشته است: «نظر تربیت اثر شهریار... این صنعت با اهمیت را از سالها است که دایره با وسعت قرار داده و عنوان وزارت برآن نهاده و به خانه‌زادش سپرده است و در سمت وی وزیر انطباعات به قلم آورده»<sup>۸</sup>.

ناصرالدین‌شاه در روز جمعه ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۱۳ ه. ق. به ضرب تیر میرزا رضای کرمانی کشته شد. قتل او موجب انتقام از حسن خان خبیرالملک، شیخ‌احمد روحی و آقاخان کرمانی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران مخالف دربار قاجار شد. بدون این که سه تن کشته شدگان یادشده، نقش مستقیم در ترور شاه داشته باشند. محمدعلی میرزای ولی‌عهد، صبح روز ششم صفرسال ۱۳۱۴ ه. ق. شاهد مربریدن این سه تن آزادخواه، زیر درخت نسترن کساخ خود، در تبریز بود. وی این سنگدلی را یک‌بار دیگر در جریان کودتای خدمتجلس در ۲۳ جمادى‌الاولی ۱۳۲۶ ه. ق. تکرار کرد و فرمان قتل تنی چند از روزنامه‌نگاران معروف و آزادخواهان را داد و گروهی دیگر را وادار به مهاجرت کرد.

باید پذیرفت که جامعه مطبوعات و مدیران و نویسندگان مطبوعات، به تصور این که امضای فرمان مشروطه، به همه انواع خودکامگی و استبداد پایان داده است، عنان اختیار از کف دادند و به تندترین و پرشورترین کلمات و عبارات به انتقاد و افشاگری از شاه و دربار پرداختند. کسی نبود که به یاد روزنامه‌نگاران پرشوری چون میرزا جهانگیرخان شیرازی، علی‌اکبر دهخدا، محمدرضا مساوات، سلطان‌العلمای تربتی (خراسانی) و... آورد که نه در بدنه دولت و حکومت دگرگونی اساسی پدید آمده است و نه مجلس چندان به دور از خواستها و هواداری از حکومت شکل گرفته است.

شماره اول صوراسرافیل تازه به دست مردم رسیده بود<sup>۹</sup> که در روز ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ (فردای انتشار شماره اول) مخبرالسلطنه، وزیر معارف و اوقاف به میرزا جهانگیرخان شیرازی، در طی نامه‌ای رسمی نوشت: «صبح یکشنبه بیستم در مدرسه مبارکه

دارالفنون تشریف بیاورید که ملاقات شما لازم است»<sup>۱۰</sup>.

میرزا جهانگیرخان، گزارشی از این ملاقات را در شماره دوم صوراسرافیل چاپ کرده است: «... به شما می‌گویم، که بعد از این، این طور چیز نوشتن را ترک کنید! ... چیزی نوشته نشده که سیاست بشوم. در راه آسایش و آزادی ملت و خیرخواهی دولت اگر هم سیاست بشوم کمال افتخار را دارم.

«... ولی به این طور چرا؟  
- بنده که از عوالم ادب خارج نشده‌ام. هیچ یک از ملل مشروطه، به خاک پای امپراطور خود خطاب نمی‌نمایند...

«من نمی‌گویم که به خاک پای سلطان خطاب کنید. اما به زبان ملایم باید چیز نوشت!

در این جا جهانگیرخان مقصود خود را از نوشتن مطلبی با عنوان «در کلمه خیانت»<sup>۱۱</sup> توضیح می‌دهد و می‌گوید امیدوار است کسی این حرفها را به گوش سلطان برساند و بعد...

«... چرند و پیرند یعنی چه؟  
- چرند و پیرند قسمت اخلاقی صوراسرافیل است.

«اخلاق را مگر نمی‌شود به طرزهای دیگر نوشت؟  
.....»

«برای چه نوشتید شیرینی خواستند؟<sup>۱۲</sup> مگر از شما یا سایر مدیران جراید چیزی گرفته شده؟

«امروز مملکت ما مشروطه است. برای چه اشخاصی که می‌خواهند کتاب چاپ کنند دو ریال پول و دو جلد کتاب به رئیس انطباعات بدهند؟ کتاب هم حکم روزنامه را دارد. مفتش نمی‌خواهد...»

پرسش و پاسخ در مورد پرداخت حق، به اداره انطباعات ادامه می‌یابد. تا آنکه مخبرالسلطنه می‌گوید:

«من این حرفها را گوش نمی‌دهم. شما باید در نمره دوم صور اسرافیل در خصوص شیرینی، شرحی بنویسید که مشتبه به رشوه نشود. والا روزنامه شما را توقیف می‌کنم.

پس از این، نویسنده به ملت و مجلس و کمیسیون مالیه خطاب می‌کند و آنان را گواه می‌گیرد.

از همین مقاله، به روشنی می‌توان به دنیای خیالی روزنامه‌نگاران که عمر استبداد را

تمام شده تلقی می‌کردند و اعتقاد مسزولان حکومتی به ادامه روشهای خودمحرانه، پی برد.

شش ماه بعد، عدلیه (محکمه جنایات) سلطان‌العلمای تربتی (خراسانی) مدیر نشریه روح‌القدس را احضار کرد. این احضار، بنا به شکایت شخص محمدعلی‌شاه (با دادخواست اعتمادالسلطنه دوم) ۱۳ صورت گرفت<sup>۱۴</sup>.

سلطان‌العلماء، روزنامه‌نگاری شجاع و آزاده بود، که عاقبت سر در راه آزادگی گذاشت<sup>۱۵</sup>.

مشغله و نیاز جامعه و دولت به قانون، در جامعه‌ای تازه قانونی شده، در تدوین و تصویب «قانون مطبوعات»، چنان از خود شتاب نشان داد؟ آیا نباید این فرض را بپذیریم که حتی نمایندگان مجلس (شاید به این ملاحظه که بهانه به دست پادشاه مخالف مشروطه ندهند) نسبت به محدود ساختن کار مطبوعات، احساس وظیفه می‌کردند؟ یا نمی‌توان چنین فرض کرد که چون خود مجلس هم در ردیف دربار و وزیران، زیر حمله دائم

## ■ نخستین قانون ناظر بر مطبوعات در ایران را یک نظامی ایتالیایی به نام «کنت دومونت فرت» نوشته است.

مطبوعات بود، در این کار سرعت و سخت‌گیری به خرج داد؟

هرچه بود، پس از گفت‌وگوهای طولانی و وقت‌گیری، «قانون مطبوعات»، یک سال و پنج‌ماه و نیم پس از گشایش مجلس، به دولت ابلاغ شد<sup>۱۶</sup>. این قانون ۵۲ ماده دارد و از این نظر منضل‌ترین قانونهای مطبوعات کشور به‌شمار می‌آید.

در این قانون، سعی شده است که در فعالیت مطبوعات، هیچ ابهام و نکته پیش‌بینی نشده‌ای نماند که قانون رویه‌ای پیشنهاد نکرده باشد. با این همه و با آن تفصیل، در کلیات، بخصوص در بخش جرایم، موارد همان بود که در «کتابچه قانونی کنت» تصریح شده بودند. ضمن آنکه این قانون، به‌غیر از خود مطبوعات، کار انتشار کتب، امور چاپخانه‌ها و فعالیت توزیع‌کنندگان جراید را نیز دربر می‌گرفت. مهم‌ترین موارد جرایم مطبوعاتی پیش‌بینی شده در این قانون عبارت هستند از:

- ۱) انتشار مقالات مضربه به مذهب و عقیده اسلامی (ماده ۲۳) مورد اول کتابچه قانونی کنت.
- ۲) انتشار مطالبی مشتمل بر هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات... نسبت به وزیری یا مبعوثی (وکلاهی دو مجلس) یا کارگزاران امور دولتی (مواد ۳۴، ۳۵ و ۳۶) مورد دوم کتابچه قانونی کنت.
- ۳) انتشار مطالبی مشتمل بر هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات نسبت به افراد تاس (مواد ۲۴ و ۲۷) مورد سوم کتابچه قانونی کنت.
- ۴) توهین به مقام سلطنت (ماده ۳۱) مورد چهارم کتابچه قانونی کنت.

وی در سرمقاله تندى در شماره ۱۳ روح‌القدس (۲۹ رمضان ۱۳۲۵ ه. ق.) به انتقاد از آشفتگی اوضاع سیاسی و اجتماعی و هیأت حاکم پرداخت و سپس خطاب به محمدعلی‌شاه نوشت:

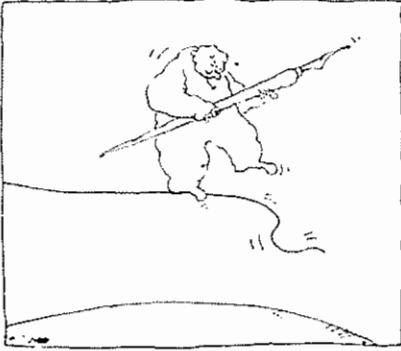
«خوب است قدری از مستی سلطنت به هوش آمده، چشم باز کرده، نظری به دولت خود و باقی دولتها بنماید. آیا تمام سلاطین عالم از وظیفه خود خارج شده، مشغول قصاصی گشته‌اند؟»

سلطان‌العلماء، در جلسه دادرسى، محکمه (دادگاه) را برای رسیدگی، بدون صلاحیت اعلام کرد و در جلسه‌های بعدی محاکمه، اصلاً حاضر نشد.

اگرچه احضار جهانگیرخان شیرازی، سلطان‌العلمای تربتی و سیدمحمدرضا مساوات به دستگیری آنان یا تعطیل و توقیف نشریه‌ای که داشتند، منجر نشد، اما مقالات تند آنان و همکاریانشان، دربار و دولت را به خشم آورد و شاه مستبد در کودتای بستن مجلس، انتقام خود را از دونفر اخیر گرفت. باید در نظر داشت که تدریجی مطبوعات صدر مشروطه، منحصر به این چند نشریه نبود. می‌توان گفت که نوعی مسابقه و رقابت برای حمله به دربار و دولت در میان مطبوعات آن زمان وجود داشته است که واکنش برمی‌انگیخت. به‌ویژه آنکه محمدعلی‌شاه اصولاً تربیت نظامی روسی و خشنی داشت.

در حدود پنج‌ماه پیش از کودتای به توپ بستن مجلس، وکلا، به نخستین قانون مطبوعات دوران مشروطه، رأی دادند (پنجم محرم ۱۳۲۶).

چرا مجلس اول مشروطه، در میان آن‌همه



## ■ قانون مطبوعات مصوب مجلس اول مشروطه چنان قابل تفسیر بود که می‌شد به وسیله آن هر نشریه آزاد را در دوران دیکتاتوری تعطیل کرد.

و به صورت ویژه‌نامه، تدارک شد. غیر از نشان مساوات، دو فرشته، در دو طرف ستاره‌ای درخشان، به دو جانب تابلویی تکیه داده بودند که بر روی آن نوشته شده بود: «عید ظهور قانون مطبوعات». مطالب این شماره بیشتر طعن و اشاره‌های هزل‌آمیز به قانون مطبوعات است. در صفحه ۲، زیر عنوان «نتیجه»، آمده است: «شکر خدا که پس از اسارت چندین هزارساله وکلایی از فرط رحمت به ما عنایت فرمود که در معرفت حقایق و کشف رموز و دقایق و حل معمیات (معماها) سیاسی و فتن معضلات پلنیکیه هرکدام سرآمد دهر و نادر عصرند». این مطلب با هزلی آشکار و تند نسبت به محمدعلی‌شاه پایان می‌گیرد. روزنامه‌کشکول نیز کاریکاتوری به چاپ رساند که در آن قزاقان نسخه‌های نشریه‌ها را در آتش می‌سوزانند و بر اثر آن روشنفکران و آزادیخواهان غمگین شده‌اند و اشک می‌ریزند. سمت چپ، مردی شیک‌پوش (عنصر بیگانه؟) می‌گوید: «زنده‌باد قانون مطبوعات!»<sup>۱۸</sup> نیز نشریه معارف، واکنش سردی نسبت به این قانون نشان داد.<sup>۱۹</sup>

تصویب قانون مطبوعات و واکنش تند مطبوعات نسبت به آن که در این واکنشها، پنهان و آشکار شاه را هم مقصر می‌دانستند، با واقعه بمب‌اندازی به‌سوی کالسکه شاه مصادف شد.<sup>۲۰</sup> محمدعلی‌شاه، از خود واکنش سختی نشان داد و سرانجام سه‌ماه بعد، دستور بستن مجلس و تعقیب روزنامه‌نگاران و آزادیخواهان را صادر کرد. میرزا جهانگیرخان شیرازی (صوراسرافیل) و سلطان‌العلمای تربتی (خراسانی) به بدترین شکل ممکن به قتل رسیدند و علی‌اکبر دهخدا، میرزا قاسم‌خان تبریزی، مساوات و گروهی دیگر در داخل و

یعنی هر ایرانی سی‌ساله بدون سابقه کسب‌فرو، می‌توانست از وزارت معارف، درخواست امتیاز انتشار نشریه کند. به شرط آنکه امکانات مالی او اجازه دهد. یعنی مجلس اول، در قبال آن‌همه پیش‌بینی و محدودیت، کم‌ترین شایستگیها را برای صاحب امتیاز بودن در نظر گرفت.

در بخش جرایم و تخلف‌های مطبوعاتی، نکته‌ای که قانون‌نگاران مجالس مشروطه از آن غفلت کردند، این بود که بسیاری از جرایم و تخلف‌ها در قوانین جزایی، کیفری و مدنی پیش‌بینی شده بودند. مثلاً افترا زدن به مأموران دولتی یا اشخاص، در این قوانین قابل تعقیب است و دیگر نیازی به پیش‌بینی در قانون مطبوعات نبود. نیز جرایمی همچون افشای اسرار نظامی، توهین به اعتقادات مردم، توهین به اقلیت‌های مذهبی و... در عین حال و در مقابل این‌همه منع و تعقیب اگر حقوقی برای روزنامه‌نگاران (شبهه به الزام در پاسخگویی) پیش‌بینی می‌شد، مطبوعات می‌توانستند به نقش و وظیفه حساس خود عمل کنند.

موضع‌گیری تند مطبوعات علیه قانون مطبوعات نشان داد که نمی‌توان میان اهل مطبوعات و مجلس و دولت سازش و توافقی را انتظار داشت. یعنی به همان اندازه که مجلس اول مشروطه از خود کمال محافظه‌کاری و مواظبت را نسبت به فعالیت مطبوعات نشان داد، مطبوعات نیز، این مصوبه مجلس را زیر شدیدترین انتقادات گرفتند.<sup>۱۷</sup>

شاید، سخت‌ترین واکنش را سیدمحمدرضا مساوات از خود نشان داد. شماره ۱۹ مساوات (سوم ربیع‌الاول ۱۳۲۶ ه. ق.)، با شکل و طرحی نو (سه رنگ: مشکی، سرخ و طلایی)

(۵) تحریص و تهییج مردم به ارتکاب جُنحه و جنایات یا سرقت، قتل، تهب و غارت یا تضعیف قدرت مملکتی در خارجه، سلب امنیت و احتمال آسایش عمومی و انتظام داخله و ترغیب و تشویق اهل نظام به نافرمانی (مواد ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۲۹) مورد پنجم کتابچه قانونی کنت.

(۶) جعل اخبار و مقالات فتنه‌انگیز و انتشار آنها و نسبت آن به کسی (ماده ۳۲) مورد ششم کتابچه قانونی کنت.

غیر از این موارد، این قانون، خصوصیات دیگری نیز دارد. از جمله در بخش تخلف‌ها، موارد زیر پیش‌بینی شده بودند:

- مشاهده چیزی در نشریات، مخالف قانون مطبوعات (مقدمه)؛

- درج نکردن مشخصات نشریه (اسم و رسم مدیر روزنامه و نام چاپخانه یا مطبعه)؛

- تخطی از مسلک اعلام‌شده نشریه؛  
- نفرستادن دو نسخه از نشریه به محض انتشار به اداره معارف شهر و دو نسخه برای کتابخانه و قرائتخانه‌های ملی؛

- چاپ نکردن پاسخ‌نامه مأموران دولت؛

- خودداری از درج پاسخ‌نامه اشخاص؛

- انتشار و جعل اخبار فتنه‌انگیز؛

- انتشار الفاظ رکیک و فحش.

یکی از مواد این قانون (ماده ۴۹) به وزارت معارف و پلیس اجازه می‌داد تا نشریه‌هایی را که مرتکب جرایم شگانه شوند، فوراً توقیف کنند. این شش خلاف یا جرم، تقریباً همان جرایم شگانه تصریح‌شده در «قانون کنت» بودند. یعنی مطالب علیه اساس مذهب اسلام، علیه پادشاه، افشای تحرکات نظامی، ایجاد هیجان عمومی و تحریک به مقابله با دولت و انتشار صور قبیحه. یکی از نکات مهم دیگر این قانون، اعلام شرایطی است که متقاضی نشریه (صاحب امتیاز) باید می‌داشت.

شرایط چهارگانه برای متقاضی انتشار نشریه، به موجب قانون مصوب ۱۳۲۶ ه. ق. چنین بودند:

(۱) ایرانی باشد؛

(۲) سی سال تمام داشته باشد؛

(۳) به شرافت معروف باشد؛

(۴) تمکن مالی برای اداره و انتشار نشریه، داشته باشد.

خارج کشور، پنهان شدند.

پانزده سال پس از تصویب قانون مطبوعات، مجلس چهارم مشروطه، دو ماده دیگر (متمم) بر قانون مطبوعات افزود. این دو ماده ناظر بر مطالب خلاف دین مبین اسلام بودند. ماده اول، مطبوعات را ملزم می ساخت که: «هر وقت بخواهند در امور مربوط به دین اسلام و مذهب... چیزی طبع کنند، قبلاً به ناظر شرعیات... مراجعه نمایند». ماده دوم نیز مراحل قانونی، در صورت سرپیچی از این قانون را مشخص می کرد.

این قانون در سال ۱۳۲۱ و در دوره نخست وزیری احمد قوام بار دیگر اصلاح شد. از جمله این اصلاحات، پیش بینی داشتن «سرمایه علمی و اخلاقی» بود. براساس آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات، مصوب سزم دی ماه ۱۳۲۱، مقرر شد که مدیران مطبوعات (حتی آنان که از پیش امتیاز داشتند) در آزمون زبان و ادبیات فارسی (در حد ششم متوسطه) و تاریخ و جغرافیای ایران و جهان (در حد سال سوم متوسطه) شرکت کنند. جالب آن که در یکی از آزمونها که در سال ۱۳۳۸ برگزار شد و در آن متقاضیان امتیاز روزنامه و مجله شرکت کردند، از میان ۲۲ شرکت کننده، فقط آقای حسین احمدی، توانست نمره بالاتر از ۱۲ بگیرد و قبول شود! از روز خلع محمدعلی شاه (۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷) و بازگشت مشروطه، تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی و ظهور رضاخان و حتی تا دو سه سال پس از آن، دوره بخصوصی از فعالیتهای مطبوعاتی در کشور سپری شد. این دوره را می توان آزمونهای از ظرفیت و طاقت در عرصه فعالیتهای سیاسی و مطبوعاتی دانست.

شرایط جهان سلطه (وقوع جنگ جهانی اول، جنگهای آسیایی روسیه و سپس انقلاب بلشویکی، گرفتاریهای درونی و بیرونی عثمانی و...) یک دم مجال اندیشیدن و به خود آمدن را فراهم ساخته بود. در درون کشور پادشاه جوان و آسانگیر که ادعاهای دموکرات منشا هم داشت، وضعیت آسان تری را پدید آورد و چنین گمان می رفت که شرایط سرانجام برای پایهریزی بنای کشور براساس علاقه ها، مصلحتها و منافع مردم، مهیاست اما با دریغ باید پذیرفت که نمی توان تجربه این دوران را موفق و سربلندی آور، ارزیابی کرد. مجلس و مردم دوران فشار سختی را در

برای ورود دیکتاتور هموار ساخته بود. رضاخان، اهل قانون و مقررات نبود. آن باید می شد که او می خواست. وقتی که نخست وزیر بود (۱۳۰۱) برای تسریع در رسیدگی به امور مطبوعات شورای عالی معارف را تشکیل داد که به عنوان تنها مرجع قانونی مربوط به مطبوعات در کار مطبوعات نظارت کند. این شورا در جلسه بیستم خود (۱۴ حوت ۱۳۰۱) در مواد قانون مطبوعات راجع به متقاضیان پروانه انتشار دست برد: مستخدمان دولتی و مدیران و معلمان از مدیریت و سردبیری ممنوع شدند. نیز متقاضی انتشار نشریه باید ۵۰۰ تومان وجه الضمان به دولت می سپرد.

قانون مطبوعات مصوب مجلس اول برای جلوگیری از زیاده روی مطبوعات صدر مشروطه تدوین شد. اما چنان قابل تفسیر بود که می شد در دوران دیکتاتوری، هر نشریه آزاد را به موجب آن تعطیل کرد.

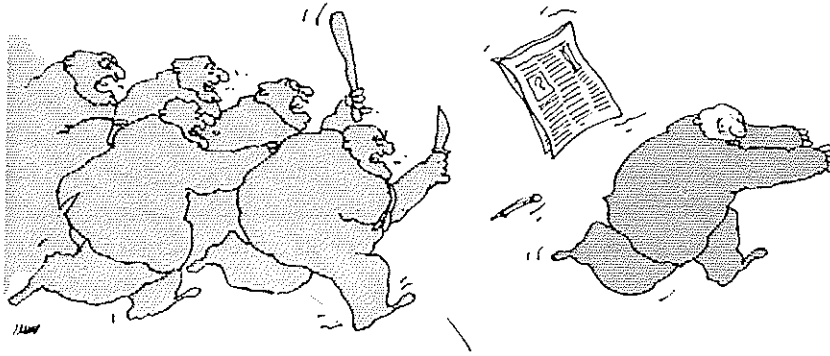
با اشغال ایران به دست متفقین، رضاخان در سوم شهریور ۱۳۲۰، ایران را ترک کرد و به جای او محمدرضا به سلطنت رسید. یکبار دیگر در غیاب دیکتاتور، امکان چشیدن طعم آزادی و ساختن جامعه، براساس خواست و اراده مردم به دست آمد. تجربه دوره مشروطه در پشت سر بود و اوضاع جهان امکان تحقق این آرزو را فراهم می ساخت. اما چنین نشد.

در روز سوم دی ماه ۱۳۲۱، قانون انتخابات مجلس اول، سه اصلاحیه دیگر یافت: اول آن که علاوه بر شرایط پیش بینی شده در قانون محرم ۱۳۲۶ ه. ق. صاحبان امتیاز، مدیران یا سردبیران مطبوعات باید دارای تمکن مالی و سرمایه علمی و اخلاقی، به تصدیق شورای عالی فرهنگ (معارف) ۲۴، باشند. نیز هر نفر نمی توانست امتیاز بیش از یک نشریه را داشته باشد. همچنین ماده ۳۴ (ناظر بر جرایم هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات افراد یا گروهها) مفصل تر و محکم تر شد. در واقع اصلاح ماده ۳۴، قانون مورد بحث را سختگیرتر جلوه می داد. ماده سوم مربوط به تشکیل شورای عالی فرهنگ و روش کار آن بود. این لایحه پس از این اصلاحات به «لایحه امتحانات» معروف شد.

حدود دو دهه دیکتاتوری و خفقان با برکناری رضاخان، به برقراری حکومت نظم و قانون نینجامید. همه یکپارچه فریاد شده بودند و قلمها فقط به هدف افشگری بر کاغذ

سالهای پس از فرار محمدعلی شاه تحمل کردند. مطبوعات عرصه کشاکش و درگیری میان احزاب و افراد شده بود. تا آنجا که احمدشاه در سال ۱۳۰۱ از روزنامه قیام (موسوی زاده) به دادگاه شکایت کرد<sup>۲۱</sup>. این درگیریها بویژه میان مطبوعات حزبی، به وضعی افراط آمیز ادامه می یافت. حزب دموکرات روزنامه ایران نو را زبان حال سیاست خود برگزید. حزب «اتفاق و ترقی» روزنامه استقلال ایران و روزنامه عصر و حزب اعتدالی، مجلس، و پلیس ایران و آفتاب را داشت<sup>۲۲</sup>. حملات این مطبوعات به یکدیگر به حدی پرداخته و به دور از اعتدال و انصاف بود که هیچ شخصیت یا عنصر فعالی، برکنار و بدون پرونده سیاه نماند. در این میان سیدضیاءالدین طباطبایی روزنامه های شرق، برق و رعد را یکی پس از دیگری انتشار می داد. سرنوشت چنین بود که تحول آینده کشور با حضور این روزنامه نگار غیر مستقل رقم بخورد.

کودتای انگلیسی رضاخانی با روی کار آمدن قزاقان و نظامیان تازه منصب یافته، رفته رفته بساط احزاب، مطبوعات و اجتماعات را رو بید. میرزاده عشقی، سیرزا یحیی قزوینی، فرخی یزدی و دیگران در این عرصه جان باختند و گروه کثیری تبعید یا خانه نشین شدند<sup>۲۳</sup>. در واقع درست در همان روز سوم اسفند ۱۲۹۹، عده کثیری از روزنامه نگاران دستگیر شدند و مطبوعات به سرنوشت تعطیل موقت دچار آمدند. غفلت سیاستمداران، روشنفکران، روزنامه نگاران و مجلسیان از حفظ و حراست منافع و مصالح ملی و سرگرم شدن به مبارزات داخلی راه را



**■ در فرمان ناصرالدین شاه، عصبانیت و کدورت وی از مطبوعات داخلی (چهار روزنامه تشریفاتی) با وجود سرپرستی صنایع الدوله و معدودی نشریات چاپ خارج که به شدت راه ورود آنها کنترل می‌شد، به خوبی آشکار است.**

۱۳۲۶ قمری بودند که آن قانون، چنان که دیدیم، در کلیات جرایم به «کتابچه قانونی کنت» شباهت داشت؛  
 - نشریه نمی‌توانست از نام یا نشان نشریه دیگر تقلید کند؛  
 - در جرایم مطبوعاتی، اگر نویسنده معروف و مقیم ایران بود، مدیر نشریه مسؤولیتی نداشت و تعقیب قانونی نمی‌شد؛  
 - براساس اصل ۷۹ قانون اساسی مشروطه به جرایم مطبوعاتی (و سیاسی) در دادگاه جنایی و با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شد.  
 اعضای هیأت منصفه از طبقات هفتگانه و جمعاً ۸۴ نفر (هر طبقه ۱۲ نفر) برگزیده می‌شدند و برای هر دادگاه حضور ۷ عضو اصلی و ۷ عضو علی‌البدل الزامی بود. این نخستین تصریح قانونی در مورد کار هیأت منصفه جرایم مطبوعاتی بود. هیأت منصفه در پایان دادرسی ابتدا وی را به مقصر بودن متهم و سپس استحقاق برای تخفیف، رأی می‌داد؛  
 - پنج تخلفی که ارتکاب آنها به دادستان محل اجازه می‌داد تا بدون طی تشریفات دادرسی، نشریه‌ای را تعطیل کند، تقریباً همانها بودند که در قانون قبلی تصریح شده بود؛  
 - دادگاههای رسیدگی به جرایم مطبوعات، خارج از نوبت تشکیل می‌شدند.<sup>۲۹</sup>  
 در حدود چهارماه بعد، دکتر مصدق با همان اختیارات، در قانون مطبوعات اصلاحاتی انجام داد:  
 - غیر از شرایط چهارگانه متقاضی پروانه انتشار، متقاضی باید به امانت و حسن شهرت، معروف می‌بود؛

دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر وقت، تجدیدنظر در قانون ۱۳۲۶ ه. ق. و تدوین یک قانون مطبوعات تازه را ضروری تشخیص داد.<sup>۲۸</sup> قانون مطبوعات، مصوب پانزدهم بهمن‌ماه ۱۳۳۱، ۴۶ ماده و ۱۱ تبصره داشت. مهم‌ترین خصوصیات این قانون عبارت بود از:  
 - در شرایط متقاضی درخواست‌کننده اجازه انتشار، غیر از سه شرط ایرانی بودن، سی‌ساله بودن و نداشتن محکومیت جنایی، شرط داشتن سواد خواندن و نوشتن پیش‌بینی شد؛  
 - وزارت کشور مسؤول تشخیص صلاحیت متقاضیان بود؛  
 - درخواستها را هیأتی مرکب از مدیرکل وزارت کشور، رئیس اداره نگارش وزارت فرهنگ و دادستان تهران رسیدگی می‌کردند؛  
 - مدیر نشریه برای ثبت دخل و خرج و هزینه‌ها باید دفتر محاسباتی می‌داشت؛  
 - مدیر و سردبیر باید دارای شرایط اعلام شده در قانون، مساوی با مؤسس (صاحب امتیاز) می‌بودند؛  
 - امتیاز نشریه را نمی‌شد به دیگری واگذار کرد؛  
 - وزارتخانه‌های کشور، فرهنگ و دادگستری برای تنظیم امور انتشارات و مطبوعات و نیز نسبت به شرایط حقوق و امتیازات خبرنگاران و عکاسان مطبوعات مأمور شدند آیین‌نامه تهیه کنند. این تنها مورد صراحت قانونی در مورد حقوق خبرنگاران بود؛  
 - جرایم مطبوعاتی با اندکی تصرف و توجه به مقتضیات زمان همه شبیه به قانون

می‌آمد. مطبوعات از شکایت و دادخواهی مردم ستم دیده مالا مال شده بود. در این شرایط هیچ قانونی، مانع بروز خشم و غضب مردم نبود. در فضایی چنین عصبی و شورانگیز، مطبوعات از نظر تعداد، عنوان<sup>۲۵</sup> و از نظر تیراژ، دوباره جان گرفتند و... «دیگر دهان بند را از دهانها برداشته و پرده تاریکی را که مدت ۲۰ سال چشمان ما را از دیدار حقایق بازمی‌داشت به یک سو زده‌اند. اینک می‌توانیم آزادانه دردهای خود را به یکدیگر بگوییم و مکتوبات خاطر را که در این مدت قلبهایمان را می‌فشرد و سوراخ می‌کرد، با یکدیگر در میان نهیم»<sup>۲۶</sup>. و... «این چند روزه خوشوقتی مردم از رسیدن به آزادی و اعاده رژیم حقیقی مشروطه به حدی است که احتیاج به گفتار زیاد در اطراف آن نمی‌باشد. مجلس و ملت ایران، بیست سال است، چنان تشنه آزادی زبان و قلم بودند که مانند شخص گنگی که غفلتاً به زبان آمده باشد، می‌خواهند در آن واحد، هرچه در دل دارند، بگویند»<sup>۲۷</sup>.  
 نفرت عمومی از دوران سیاه دیکتاتوری، متأسفانه عده‌ای از مطبوعات را به سودجویی واداشت. به این معنا که با تهدید به افشاکاری، از مسؤولان و مقامهای دوره پیشین اخاذی می‌کردند. این شیوه ناپسند، به اضافه چهره بدی که مطبوعات حزبی، در سالهای پس از تخلیه ایران از قوای اشغالگر، از حرفه مطبوعات نشان دادند، در ذهن مردم، خاطره مغشوش و نامطلوبی از حرفه روزنامه‌نگاری، باقی گذاشت.  
 احزاب چپ، میانه‌رو، طرفدار دربار، ملی‌گرا و فرقه‌گرا، در این دوران دارای ارگانهای متعدد شدند. مطبوعات حزبی به مدد پیشرفتهایی که در کار چاپ و هنرهای مطبوعاتی پدیده آمده بود، می‌خواستند به تحکیم جایگاه خود در مجلس و افزایش اقبال خود، در میان مردم، بپردازند. اما نبود فرهنگ حزبی و فرهنگ مطبوعاتی و پندنگرفتن از تجربه‌های پیشین، آنها را به بیراهه کشاند. به این معنا که به جای تثبیت خود، به تخریب دیگران و رقیبان دست می‌زدند. حضور مردم می‌توانست پشتوانه خوبی برای تأمین وحدت و حفظ منافع عمومی جامعه باشد. و این به شرطی حاصل می‌شد که افراد و گروهها غیر از خود و گروه خود، به این پدیده‌های با اهمیت و سرنوشت‌ساز می‌اندیشیدند.  
 این افزایش چنان قوت و وسعت یافت که

مطبوعات مکلف شدند یک نسخه از نشریه را نیز به وزارت کشور یا فرمانداری محل بفرستند؛

وزارتخانه‌های کشور، دادگستری و فرهنگ مأمور اجرای این قانون شدند.

عمر این قانون مطبوعات چندان دراز نشد. ۳۰ کودتای ارتجاعی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، یکبار دیگر، به دوران وفور و رونق مطبوعات در کشور پایان داد. سرلشگر زاهدی، مثل محمدعلی شاه و رضاخان فرمان به تعطیل مطبوعات و حبس و اعدام مخالفان داد. دوره تازه‌ای از اختناق و سرکوب آغاز شد که ۲۵ سال به طول انجامید. تردیدی نیست که کودتای «نیا» و سرویس اطلاعاتی انگلیس با کمک دربار و در سمت و سوی تأمین اهداف قدرتهای سلطه‌گر صورت گرفت. اما یکپارچگی و وحدت فکر و عمل مطبوعات و مردم، می‌توانست این کردتا را خنثی کند.

شرایط تازه، قول و قرارهای گسترده با آمریکا و غرب، پدید آمدن گروه زمین‌داران و سرمایه‌داران تازه، هزینه گزاف دربار، بذل و بخششها و اسرافهای بی‌شمار از محل سرمایه‌های ملی و همگانی، مجالی به فعالیت‌های قانونی مطبوعات نمی‌داد. قانون تازه‌ای برای مطبوعات لازم بود تا مانعی برای برنامه‌های در دست اجرا، پیش نیاید.

مجلس هیجدهم نخست قوانین تصویب شده از سوی دکتر مصدق را ملغی کرد. سپس برخلاف رویه‌های قانونی و تصریح‌های قانون اساسی مشروطه، کمیسیونی از دو مجلس سنا و شورای ملی نشتند و قانون مطبوعاتی را پیشنهاد کردند که روز دهم مرداد ۱۳۳۴ به تصویب جلسه مشترک دو مجلس رسید. از سوی مجلس سنا، سیدحسن تقی‌زاده که آن روز با تقی‌زاده صدر مشروطه تفاوت‌های ماهیتی داشت از سوی شورا و رضا سردار فاخر حکمت، فتودال بزرگ، زیر این قانون امضا گذاشتند. این قانون تا تصویب قانون مطبوعات، مصوب شورای انقلاب (۲۰ مرداد ۱۳۵۸) اجرا می‌شد. در این قانون نکات تازه‌ای وجود داشت. از جمله:

در شرایط متقاضیان امتیاز انتشار، داشتن لیسانس یا دانشمند و فاضل بودن، الزامی بود؛

در همین ماده، لزوم داشتن سرمایه برای حداقل مه ماه گرداندن نشریه، تصریح شده بود؛

کارمندان دولت حق انتشار نشریه نداشتند مگر نشریه‌های ادبی، فنی و هنری؛

کمیسیون نظارت باید به درخواستهای صدور مجوز رسیدگی می‌کرد. در این کمیسیون نمایندگان از وزارت کشور، وزارت فرهنگ، دادستانی، یک نفر استاد دانشگاه و یک نفر روزنامه‌نگار با پنج‌سال سابقه، عضویت داشتند؛

جرایم مطبوعاتی از نظر موارد متنوع‌تر و از نظر مجازات‌ها سخت‌تر شدند و فصل جرایم (فصل سوم)، خود بخش قابل ملاحظه‌ای از متن و مواد این قانون را تشکیل می‌داد. غیر از موارد پنجگانه که در همه قانونهای مطبوعات (و در کتابچه قانونی کنت) پیش‌بینی شده بودند، انتشار مطالب بر ضد دولت، انتشار مطلب، بر ضد مذهب و بر ضد شاه و افترا به دولت، با توضیح بیشتر و پیش‌بینی جرایم سنگین‌تر دیده می‌شد. مثلاً در این قانون توهین به ولی‌عهد و ملکه سه سال زندان داشت و توهین به پدر، مادر، اولاد، برادر و خواهر شاه یک‌سال. یعنی از این پس نه کسی می‌توانست بر ضد دوران دیکتاتوری رضاخانی مطلبی بنویسد و نه علیه سیاحکارهای خواهران و برادران شاه؛

نشریات تعطیل شده نمی‌توانستند با نام و نشان دیگر، اما به همان سبک و اسلوب منتشر شوند. روشی که مطبوعات چپ با دست‌باز علیه حکومت ملی مصدق به کار می‌گرفتند؛

طبیقات هفتگانه که در قانون ۱۳۳۱ می‌توانستند عضو هیأت منصفه جرایم مطبوعاتی باشند به سه طبقه علما، دانشمندان و بازرگانان و زمین‌داران و کارگران و پیشه‌وران، تخفیف یافت.

دیگر مواد قانونی، عین یا شبیه قانونهای مطبوعاتی قبلی، به‌ویژه قانون مصوب ۱۳۳۱ بودند این قانون، ۴۲ ماده و ۲۷ تبصره داشت. نسل تازه‌ای از مطبوعات و روزنامه‌نگاران که دارای هنر ندیدن و نوشتن بودند، از این زمان بر سر کار آمدند، شور و التهاب سالهای جنبش ملی‌شدن نفت در مطبوعات به شور تحمیلی اخبار زندگی هنرپیشگان سینما و انتخاب دختر شایسته بدل شد.

دو شرط تقاضای امتیاز نشریه، یعنی نداشتن پیشینه بد کیفری و داشتن لیسانس، مانع بزرگی بر سر راه انتشار نشریات به حساب می‌آمدند. چون‌که در سالهای اول دهه ۱۳۳۰

هرکه اهل اندیشیدن و استقلال‌جویی بود، در فرمانداریهای نظامی و در دادگاههای متعدد، پرونده‌ای داشت. به علاوه مگر در آن سالها تعداد لیسانس‌ها چند نفر بود؟

سختگیری در انتخاب صاحبان امتیاز و پیگیری سخت مضمون مطبوعات، فضای مطبوعات را بی‌رنگ و بی‌شکل ساخته بود. علاوه بر این تصریح‌ها، سانسور مستقیم و بی‌گذشت، معمول شد که تأکیدی بیشتر بر بی‌تأثیری مطبوعات باشد. مأمور خشن و عامی به نام «محرملی‌خان» در تحریریه و حروف‌چینی مطبوعات، روزگار را بر روزنامه‌نگارانی که هنوز تعهدی و مسؤلیتی حس می‌کردند، سخت می‌گرفت. مأموری که با پنس درون جیب خود، چون جراحی زبردست، کلمه‌ها و عبارات جاندار را از میان ستونهای حروف‌چینی شده مطبوعات، خارج می‌کرد، تا پیکر مطبوعات، همچنان بی‌جان بماند.

با توسعه و پیشرفت برنامه‌ها و هدفهای شاه، شیوه‌ها و روشهای نظارت بر مطبوعات و انتشارات نیز تحول می‌یافت. تا آن جا که در سال ۱۳۵۳، برخلاف قانون، همه مطبوعات غیر از گروهی کوچک، به تعطیل محکوم شدند. دو قطب مطبوعاتی به سرپرستی دو سناتور انتصابی، هر روز قدرت بیشتری یافتند و برادمانه دستگاه خود افزودند. اما ممیزی و حبس اطلاعات نتوانست از انتشار آن جلوگیری کند. افراط در غربی‌گرایی و نادیده گرفتن اعتقادات و خواستهای مردم، جامعه را در التهابی شدید نگاه داشته بود.

از نکات جالب زندگی سیاسی و اجتماعی جامعه ما این است که هر دو نخست‌وزیر روزهای پایانی شاه (آموزگار و شریف‌امامی) این بیماری ضعف تبادل اطلاعات میان مردم و دولت را دریافته بودند و هر دو پیش‌نویسی برای قانون مطبوعات تدوین کردند. زیرا این دو نیز بحران و تحول عمیق در مردم را احساس کرده بودند. قانونهای مطبوعات معمولاً در پس‌وپیش هر تحول اجتماعی تهیه و تدوین شده‌اند.

تعداد اندک مطبوعات غیردولتی آن هم مطبوعات سخت کنترل شده و بی‌رنگ و مضمونها و مطالب آنها مورد خشم مردم بود. انقلاب اسلامی ایران، که موجبات آن در طی سالها تحمل دیکتاتوری و اختناق پدید آمده بود، نیاز به جرقه‌ای داشت و سرنوشت آن

بود که آن جرعه را مطبوعات و دستگاه سانسور ایجاد کنند. انتشار مقاله‌ای در اطلاعات این خرمین پوسیده و خشک را به آتش کشید<sup>۳۳</sup>.

از زمان پیشنهاد کتابچه قانونی کنت ۱۲۹۶ ه. ق. (۱۲۵۷ شمسی) تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، صدسال تمام فاصله است. در این دوران طولانی تجربه‌ها، فرازها و نشیبهای بزرگ و سرنوشت‌ساز در تاریخ اجتماعی، سیاسی و مطبوعاتی ما پیش آمده است. بدون تردید، زندگی آینده را تجربه گذشتگان می‌سازد.

اجتماع پیکری زنده و فعال است که عناصر، رویدادها و حوادث در درون و بیرون آن براین پیکر تأثیر می‌گذارند و از جمله عناصر مؤثر در اجتماعهای امروز، ارتباطات و مطبوعات است باید با این پیکر زنده و عوامل تأثیرگذار برآن، با هوشمندی و دقت بسیار برخورد کرد.

این امید بزرگ همواره وجود دارد که مطبوعات به تعهد و مسؤولیت سنگین خود واقف شوند و جامعه نیز حق اهل این حرفه را بگذارد تا با تکیه بر تجربه‌های گذشته، آینده‌ای هرچه بهتر را تدارک ببینیم.

#### حاشیه:

۱. المآثر و الآثار: چهل سال تاریخ ایران. تألیف محمدحسن اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، با تعلیقات حسین مجیب‌اردکانی، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳، ج ۱: ص ۱۵۹.
۲. محمدحسن اعتمادالسلطنه در کتاب منتظم ناصری (چاپ سنگی، ج ۳، ص ۳۱۹) ذیل وقایع ۱۲۸۸ ه. ق. آورده است: «اداره روزنامه‌های دولت علیه و دارالطباعه‌های ممالک محروسه و دارالترجمه‌های دولتی را به بنده مؤلف واگذار و روزنامه دولتی را به اسم ایران، موسوم فرمودند».
۳. خطه ایمن فرمان، بنابر یادداشت پشت آن، از میرزا علی خان امین‌الدوله است.
۴. مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (تهران: زوار، ۱۳۶۳، ص ۲۷۰-۲۷۵) می‌نویسد: «کنت دومونت فرت Conte de Mont Ferte زندگی پرماجری داشت. در سال ۱۸۳۹ به دنیا آمد. اصلاً فرانسوی بود. ابتدا در گارد ویژه پادشاه ناپل و سپس خدمت کرد. در قوای شاه ناپل با نوای گاریبالدی آزادی‌خواه ایتالیایی جنگید و زخم برداشت. آنگاه در ارتش

- باب بی نهم استخدام شد. بعد به ارتش اتریش پیوست و در چند جنگ شرکت کرد. در سال ۱۸۷۸ (۳۹ سالگی) به استخدام دولت ایران درآمد. در ایران مقامهایی همچون رئیس پلیس، رئیس احتساب (شهردار) و رئیس امنیه (ژاندارمری) را داشت. در مزاج ناصرالدین‌شاه نفوذ یافته بود. از شاه لقب «نظم‌الملک» را با حقوق و مزایای مربوط گرفت».
۵. کتابچه قانون ۱۲۹۶ ه. ق.
  ۶. تاریخ سانسور در مطبوعات ایران. گوئل کهن، تهران: آگاه، ۱۳۶۳، ص ۹۹-۱۰۰.
  ۷. نخستین شماره نشریه قانون به مدیریت میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله در رجب ۱۳۰۷ ه. ق. در لندن منتشر شد.
  ۸. المآثر و الآثار، ص ۱۳۸.
  ۹. اولین شماره صوراسرائیل در تاریخ پنجشنبه هفدهم ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ه. ق. (۸ ماه پس از گشایش مجلس شورای ملی) انتشار یافت.
  ۱۰. صوراسرائیل، ش ۲ (ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ه. ق.): ص ۷.
  ۱۱. مقاله دو کلمه‌خیزان، در شماره اول درج شد. در این مطلب، پس از ذکر اعمال و سرنوشت شاهان کشورهای دیگر و لزوم احقاق حق مردم، آمده است: «به حکم کتب تاریخی، نکته مهم و نقطه باریک تنها یک اشتباه کاری وزرای خائن عصر، در چنین موقعی بوده که خانه دین را ویران نموده است».
  ۱۲. دسؤولیت قلم، صوراسرائیل، ش ۱ (ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ه. ق.): ص ۱.
  ۱۳. محمدباقر خان (قبلاً ادیب‌المالک) برادرزاده محمدحسن خان که پس از درگذشت او در هجدهم شوال ۱۳۱۳ ه. ق. با انتقال لقب اعتمادالسلطنه به وی، به ریاست اداره انطباعات منصوب شد. وی در دوران مظفرالدین‌شاه و محمدعلی شاه هم بر سر کار بود.
  ۱۴. در فاصله امضای مشروطه تا تصویب قانون مطبوعات، سیدمحمدتوسا شیرازی (مساوات) را عدله احضار کرد.
  ۱۵. بنا بر نوشته مرحوم صدرهاشمی در کتاب تاریخ جرایم و مجلات ایسران (تهران: کمال، ۱۳۶۳، ص ۳۲۲-۳۲۶) «سلطان‌العلماء در جریان حمله لیاخوف به مجلس، در برابر قزاقان ایستادگی کرد. او یکی از قزاقان مهاجم را کشت و تعدادی را مجروح کرد. او را دستگیر کردند و با تن مجروح به باغشاه آوردند. در باغشاه قزاقان، به خونخواهی همقطار خود، او را با قمه قطعه قطعه کردند و به جاه انداختند».
  ۱۶. قانون مطبوعات مصوب ۲۶ محرم ۱۳۲۶ ه. ق. (۱۸ بهمن ۱۲۸۶ ش). برای اجرای اصل بیستم قانون اساسی مشروطه تدوین شد که تصریح می‌کند: «عامه مطبوعات، غیر از کتب ضلال و مواد مضربه به دین، مین، آزاد و میزری در آنها ممنوع است. ولی هرگاه چیزی مخالف قانون، در آنها مشاهده شود، نشردهند. با نویسنده، بر طبق قانون مطبوعات، مجازات می‌شود. ولی اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع، از تعرض مصون هستند. (۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ه. ق.) مطبوعات آن زمان، این ماده را تضمینی برای قانونی بودن فعالیت‌های مطبوعاتی تلقی کردند و به آن «دکن چهارم مشروطه» نام نهادند. سه رکن دیگر قوای مقننه، قضائیه و مجریه بودند.
  ۱۷. در درون مجلس هم، نمایندگان بر سر مواد قانون و مجازات‌ها، جرایم، آزادی مطبوعات و نقش آنها بجهت‌های فراوانی کردند. (برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، سال ۱۳۲۵ ه. ق.)

۱۸. کَشکول، سال ۱، ش ۳۷ (۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ ه. ق.).
۱۹. نشریه معارف، سال ۲، ش ۱۱ (۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ ه. ق.).
۲۰. روز ۲۵ محرم ۱۳۲۶، بیست روز پس از تصویب قانون مطبوعات و در اوج کشاکش مطبوعات با مجلس و دربار، بمب دست ساز را به سوی کالسکه محمدعلی شاه انداختند که منفجر شد و یک نفر را کشت و یکی را زخمی کرد. شاه در کالسکه نبود و جان به در برد. این ترور را به حیدرخان عسواغلی، به راهنمایی تقی‌زاده، نسبت دادند. (برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۴۳۹).
۲۱. روزنامه قیام در شماره سوم (۳ بهمن ۱۳۰۱) زیر کلبشه ایران آزاد مقاله شد بدالحنی بر علیه سلطنت و مجلس و حکومت وقت انتشار داد... جلسه محاکمه ۴ ساعت قبل از ظهر روز یکشنبه ۱۵ دلو (بهمن) تشکیل گردید. (نرد، ۱ آذر ۱۳۲۳).
۲۲. تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. محمد محیط‌طباطبایی، تهران: بعثت، ۱۳۶۶، ص ۱۵۴.
۲۳. سیدفرید قاسمی در کتاب راهنمای مطبوعات ایران، عصر قاجار (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، ۱۳۷۱، ص ۴۲) می‌نویسد: «... حسن صبا مدیر روزنامه ستاره ایران را در میدان مشق به سه پایه بست، هاشم خان سافی مدیر وطن را مضروب کرد و دندان آقای لسانی مدیر روزنامه حیات جاوید را با مشت شکست».
۲۴. صورت جلسه مذاکرات شورای عالی معارف.
۲۵. بنا بر نوشته دکتر حسین ابروتریانی در کتاب مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ شمسی (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۶) نام و نشان ۵۲۲ نشریه که در فاصله زمانی یادشده، منتشر شده‌اند، آمده است.
۲۶. نسیم آزادی، هاشم طاهری، ایران، ش ۱۶۶۷ (۳۱ شهریور ۱۳۲۰).
۲۷. اتحاد ملی، کالم عمادی، ایران، ش ۱۶۸۱ (۲ مهر ۱۳۲۰).
۲۸. دکتر مصدق براساس اختیارات فوق‌العاده‌ای که از مجلس هفدهم کسب کرد (۲۰ مرداد ۱۳۳۱)، به جای مجلس، اختیار وضع قانون داشت.
۲۹. قانون مطبوعات مصوب بهمن ۱۳۳۱ ش.
۳۰. کودتای ۲۸ مرداد دومه و ۸ روز پس از تصویب متمم این قانون، روی داد. حال آن‌که قانون ۱۳۲۶ ه. ق. چهل و پنج سال نقض اجرائی داشت.
۳۱. جمشید آموزگار در اردیبهشت ۱۳۵۷، لایحه‌ای را با ۳۴ ماده و ۲۷ تبصره، و شریف‌امامی لایحه قانون مطبوعات دیگری را در مهرماه ۱۳۵۷ با ۴۳ ماده و ۱۶ تبصره به مجلس پیشنهاد کردند. این دو قانون مطبوعات فرصت تصویب نیافتند.
۳۲. مطبوعات ایران ۱۳۴۳-۵۳. مسعود برزین، تهران: بهجت، ۱۳۵۴. نیز نگاه کنید به: مقاله «ورشکستگی مطبوعات»، جلال آل‌احمد، علم و زندگی (۱۳۲۷): ۲۰.
۳۳. این مقاله با امضای احمد رتسیدی مطلق در روز شانزدهم دی‌ماه ۱۳۵۶، زیرعنوان «ایران و استثمار سرخ و سیاه» در اطلاعات به چاپ رسید. برخلاف تصور شاه و ساواک مردم روحانیان به شدت به خشم آمدند و تا تعیین تکلیف خود با دربار شاه و رژیم شاهنشاهی از پای نشستنند. □